

حسن رسولی در گفت‌وگو با «ایران» ویژگی‌های شخصیتی و کاری معاون اول رئیس‌جمهور را تشریح کرد

عارف مدیری توانمند، پرکار و کم ادعا

• گفت‌وگو •

ه‌دا احمدی/ در شرایطی که دولت چهاردهم پس از پشت سر گذاشتن تحولات امنیتی و نظامی، با مجموعه‌ای از مسائل پیچیده داخلی و خارجی مواجه است، نقش معاون اول رئیس‌جمهور بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده. حسن رسولی، عضو جبهه اصلاحات ایران، در گفت‌وگو با روزنامه ایران، انتخاب محمدرضا عارف به‌عنوان معاون اول را حاصل مجموعه‌ای از ویژگی‌های علمی، مدیریتی، تجربی و شخصیتی او می‌داند. ویژگی‌هایی که به گفته او، عارف را به یکی از چهره‌های قابل‌انکای دولت برای هماهنگی میان بخش‌های مختلف قوه مجریه و پیشبرد سیاست وفاق تبدیل کرده است. رسولی با اشاره به سابقه دانشگاهی و مدیریتی عارف،

به‌نظرشما آقای عارف چه ویژگی‌های متمایز داشتند که رئیس‌جمهوری صلاح داشتند در آغاز دولت، ایشان را به‌عنوان معاون اول خود انتخاب کنند؟

فکر می‌کنم مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و قابلیت‌ها باعث شد آقای دکتر پزشکیان دست به این انتخاب بزنند. نخست اینکه آقای دکتر عارف یک چهره برجسته علمی و دانشگاهی است. از این حیث، حضور ایشان با مرتبه استادی و سابقه علمی و دانشگاهی، می‌تواند به اعتبار و منزلت دولت در جامعه علمی، پژوهشی و دانشگاهی کشور کمک کند.

دوم اینکه آقای عارف به لحاظ آشنایی با رموز حکمرانی و دقایق کشورداری، به دلیل اینکه به‌صورت طبیعی و یلکانی در جایگاه‌های مختلف مسئولیتی قرار گرفته‌اند، از سابقه و تجربه‌ای برخوردارند که می‌تواند دولت را در مسیر هدایت کلان و کلی، به دور از افراط و تفریط، راهبری کند.

پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور ایجاد شد. مقامی که در قانون اساسی جایگاه مشخصی دارد و در غیاب رئیس‌جمهوری، وظایف او را برعهده می‌گیرد. همان‌طور که پس از شهادت مرحوم رئیس‌ی‌شاهد بودیم، معاون اول مسئولیت اداره امور دولت را تا زمان تعیین رئیس‌جمهوری جدید برعهده گرفت. بنابراین، قرار گرفتن فردی مانند دکتر عارف در این منصب، با تکیه بر اندوخته‌های علمی و تجربه‌های عملی و مدیریتی که به‌صورت یلکانی کسب کرده‌اند، می‌تواند برای دولت بسیار مفید باشد.

نکته سوم، و اعتبار و شخصیت اخلاقی و دینی آقای عارف است. ایشان از یک خانواده اصیل و متدین یزدی برخاسته‌اند و در میان افشار متدین و مذهبی جامعه نیز به تدین شناخته می‌شوند. نکته چهارم، سابقه چهار ساله ایشان در معاونت اولی دولت اصلاحات است؛ دولتی که به گواه حتی برخی منتقدان، یکی از بهترین کارنامه‌های عملکردی را، بویژه در حوزه اقتصادی و روابط بین‌الملل، داشته است. آقای عارف با توجه به پیشینه مدیریتی و تجربه‌ای که در تصمیم‌گیری و به‌خصوص در تعامل و رایزنی با رهبری و نهادهای امنیتی دارد و همچنین به دلیل مورد وثوق بودن، می‌تواند در ایجاد وفاق مؤثر باشد.

نکته دیگری اینکه آقای عارف امروز رئیس‌انجمن رمز ایران است. بنابراین، در دوران سختی مانند شرایط امروز، که نهادهای نظامی و امنیتی اختیارات و مسئولیت‌های مهمی دارند، بسیاری از افرادی که در این حوزه، بویژه در بخش‌های محرمانه و دیجیتال فعالیت می‌کنند، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از شاگردان و درس‌آموختگان آقای دکتر عارف بوده‌اند. این ارتباط و سابقه نیز می‌تواند در شرایط کنونی برای دولت یک مزیت محسوب شود.

به نظر من، آخرین ویژگی مهم آقای دکتر عارف این است که فردی تبلیغاتی نیست. ایشان در ایفای وظایف خود نسبت به مافوق، چه در دوره آقای خاتمی و چه اکنون در دوره آقای پزشکیان، قائل به این بوده‌اند که معاون اول، نفردوم دولت است و باید دولت را اداره کند و قضا را به‌گونه‌ای فراهم آورد که نفر اول قوه مجریه، در این شرایط دشوار، بتواند بر مسائل کلیدی و راهبردی تمرکز کند. لذا در مجموع، فکر می‌کنم مجموعه این ویژگی‌ها و سایر خصایصی که می‌توان برشمرد، باعث شده است آقای دکتر عارف برای تصدی جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور انتخاب شوند.

می‌خواهم کمی جزئی‌تر به این موضوع بپردازیم. ویژگی‌هایی که برشمردید آیا توانسته به اجرای برنامه‌های دولت کمک کند؟ آیا موارد مشخصی وجود دارد که بگوئید این ویژگی‌ها کجا و چگونه به مدد دولت آمده است؟

بله. من در دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، عضو شورای عالی اداری کشور بودم و در آن دوره شاهد عملکرد آقای دکتر عارف در

این شورا بودم. ایشان با اختیارات تفویضی، به مدت چهار سال، مدیریت این مرجع را برعهده داشتند. مرجعی که در حوزه ساختار و سازمان امور اداری و اجرایی کشور در بخش‌های مختلف، اختیارات تام داشت.

آنچه در آن دوره درباره آقای دکتر عارف مشاهده کردم، این بود که ایشان در مواجهه با استدلال‌های علمی، فنی و کارشناسی، هم صاحب تشخیص هستند و هم قابلیت انتفاع دارند. این ویژگی‌ها به ایشان کمک می‌دهد در هماهنگ کردن بخش‌های مختلف دولت با یکدیگر، به‌گونه‌ای عمل کنند که فردی مانند آقای دکتر پزشکیان، که پیش از این در چنین جایگاه‌هایی حضور نداشته‌اند، هم اعتماد کاملی به ایشان داشته باشند و هم از این بابت آسوده‌خاطر باشند که آقای دکتر عارف، به دلیل شناخت دقیق از زوایای آشکار و پنهان روابط و مناسبات بخشی و حاکمیتی دولت، می‌تواند به نیابت از رئیس‌جمهوری، نقش مؤثری در اداره و هماهنگی دولت ایفا کند.

از این منظر، معاون اول می‌تواند مرجعی برای رسیدگی و حل اختلافات میان افراد و بخش‌های مختلف قوه مجریه نیز باشد. آقای دکتر عارف با توجه به تجربه و شناختی که دارند، می‌توانند در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند. نکته دیگر این



است که ایشان همواره فردی فراجناحی بوده و هستند. از مدت‌ها قبل نیز با شخصیت‌هایی از جناح اصولگرا نشست و گفت‌وگو داشته‌اند و این ارتباط‌ها همچنان ادامه دارد. بنابراین، در مسیر تحقق ایده «دولت وفاق» مورد نظر آقای پزشکیان، آقای دکتر عارف می‌تواند کمک‌کار و پشتوانه مؤثری برای ایشان باشد.

معاون اول به نوعی نقش هماهنگ کننده کابینه و اجزای مختلف دولت را هم دارد. آیا آقای عارف واجد کاربزمای لازم برای ایفای چنین نقشی بوده‌اند؟

ببینید، پاسخ به این سؤال تا حد زیادی به تعریف ما از «کاربزما» بستگی دارد. از نظر من، شخصیتی وجهه کاربزماتیک دارد که فراتر از مناسبات عینی و محاسبات معمول، از قدرت نفوذ قابل‌توجهی در افکار و اذهان عمومی برخوردار باشد و کلیت جامعه، با تکیه بر این ویژگی‌ها، او را فردی واجب‌الاطاعه و واجب‌الاحترام تلقی کند.

برای این مثال، شما یادتان نیست. ما هنگام پیروزی انقلاب حدود ۲۰ سال داشتیم. حضرت امام (ره) برای ما یک شخصیت کاملاً کاربزماتیک بود. بنابراین، در مواردی که ایشان اظهارنظر می‌کردند، صرف‌نظر از هر موضوع دیگری، جایگاه کاربزماتیک ایشان برای ما کاملاً پذیرفته

• برش •

شما فکر می‌کنید در دو سال باقی‌مانده از دولت چهاردهم، معاون اول رئیس‌جمهور باید چه اقدامات یا سیاست‌های جدیدی را در دستور کار قرار دهد؟ با توجه به کارکردها و وظایفی که ایشان در کابینه برعهده دارند، چه اولویت‌هایی را برای این دوره در نظر می‌گیرید؟

من دولت آقای دکتر پزشکیان را بدشانس‌ترین دولت ۵۰ سال اخیر ایران می‌دانم؛ به این دلیل که از همان روزهای اول آغاز به کار دولت، با شهادت مرحوم شهید هنیه، کشور وارد یک فضای امنیتی و نظامی شد. پس از آن نیز دو جنگ را پشت سر گذاشتیم و اکنون در شرایطی قرار داریم که می‌توان آن را وضعیت «نه جنگ و نه صلح» توصیف کرد.

به نظر من، مهم‌ترین وظیفه‌ای که آقای عارف در این شرایط دارد و ارزشمندترین نقشی که می‌تواند ایفا کند، حرکت همسو با آقای پزشکیان و در مسیر سیاست‌ها و برنامه‌های رئیس‌جمهوری است، نه درعرض رئیس‌جمهور. این سبک رفتار و روش مدیریتی، برای حداکثرسازی توافق و هماهنگی در کشور ضروری است.

اقتضای شرایط فعلی این است که دولت با نگاهی واقع‌بینانه، برای دو سال آینده و با در نظر گرفتن شرایط بحرانی، هم از نظر تئوریک و هم از منظر عملیاتی، یک نظریه، دکترین و برنامه جامع و تفصیلی داشته باشد. به نظر من، آقای دکتر عارف می‌تواند محور تدوین چنین برنامه‌ای باشد؛ برنامه‌ای که دولت را برای مواجهه با بدترین شرایط احتمالی آماده کند و بتواند کشور را از تنگناهای فعلی، با کمترین هزینه ممکن، به سلامت عبور دهد. در این حوزه، آقای عارف می‌تواند در کنار و دوشادوش فرماندهان و مراجع نظامی، دفاعی و امنیتی، برنامه دوره بحران برای دو سال آینده را طراحی و اجرا کند. امیدوارم با تفاهم و همکاری‌ای که شکل گرفته و ان‌شاءالله استمرار خواهد داشت، دو سال پیش‌رو را به شکل بهتری پشت سر بگذاریم. با این حال، در نظام حکمرانی و امور کشورداری، بویژه از موضع فردی که نفر دوم قوه مجریه و مسئول پیگیری امور اجرایی دولت است، نمی‌توان صرفاً بر مبنای چشم‌اندازها و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه، نقشه راه اداره کشور را ترسیم کرد. آقای دکتر عارف و حتی آقای دکتر پزشکیان باید سناریوهای مختلف، از جمله دشوارترین و بحرانی‌ترین شرایط احتمالی را نیز در نظر داشته باشند. من فکر می‌کنم به‌زودی شاهد ارائه برنامه‌ای از سوی آقای دکتر عارف با آقای دکتر پزشکیان برای ادامه مسیر دو سال باقی‌مانده دولت چهاردهم باشیم؛ برنامه‌ای که متناسب با شرایط واقعی کشور، بتواند مسیر اداره کشور را در این دوره مشخص و دولت را برای مواجهه با تحولات پیش‌رو آماده کند.

شده بود و نسل جوان انقلابی، باورمند و وفادار، از نظرات و سخنان ایشان تبعیت می‌کرد. اگر بخواهیم پس از انقلاب، مصداق یک شخصیت کاربزماتیک را حضرت امام(ره) بدانیم، قطعاً آقای دکتر عارف و حتی آقای دکتر پزشکیان به این معنا شخصیت کاربزماتیک محسوب نمی‌شوند. بویژه اینکه آقای عارف اساساً چهره‌ای رسانه‌ای و تبلیغاتی نیستند.

برای نمونه، اگر به نقشی که آقای عارف در دو جنگ ۱۲ روزه و ۳۹ روزه ایفا کردند توجه کنیم، می‌بینیم که ایشان برای جلوگیری از ایجاد قطعی، خالی شدن فروشگاه‌ها و تأمین معیشت مردم، شبانه‌روز تلاش کردند اما حتی یک مصاحبه مطبوعاتی یا کنفرانس رسانه‌ای هم در این زمینه نداشتند. بنابراین، از این منظر، ایشان را نمی‌توان شخصیتی کاربزماتیک به معنای متعارف کلمه دانست اما از جهت دیگری، یعنی اهلیت علمی، دانش و تجربه، به نظر من آقای عارف می‌تواند برای جامعه مدیران کشور، چه مدیران ارشد و چه مدیران میانی و مدیران بخش‌های مختلف، مرجعی قابل اعتماد باشد.

در میان سران و شخصیت‌های بانفوذ کشور نیز ایشان به دلیل انعطافی که دارند، مورد احترام هستند. امروز حتی بخش قابل‌توجهی از رقبای سیاسی دولت نیز به همین دلایل حرمت آقای دکتر عارف را حفظ می‌کنند.

امروز وقتی ایشان در جلسات معاونان سران قوا در کنار آقای خلیلی و آقای حاجی‌بابایی حضور پیدا می‌کنند و جلسه را اداره می‌کنند، شاهد بروز تنش در روابط و مناسبات میان سه قوه نیستیم؛ چه در سطح معاونان رؤسای سه قوه و چه در سطح سران قوا. لذا به نظر من، آقای عارف در یک کلام، مدیری توانمند، خاموش و کم‌ادعاست.

ایشان در عین حال، نسبت به حفظ حریم مقام مافوق، کاملاً اخلاقی و مسئولانه رفتار می‌کنند.

رئیس‌جمهوری برخی مأموریت‌های مهم دولت را به ایشان سپرده‌اند. یکی از این مأموریت‌ها تشکیل ستاد ویژه قضای مجازی بود که اتفاقاً به فاصله کوتاهی بعد از تشکیل این ستاد اینترنِت بین‌الملل از حالت انسداد درآمد. به نظر شما چه مؤلفه‌هایی منجر به موفقیت ستاد و آقای عارف در این مأموریت بود؟ روحیه تعاملی، چه اقتدار مدیریتی یا روحیه پیگیری و مسئولیت‌پذیر ایشان؟

رئیس‌جمهوری برخی مأموریت‌های مهم را به آقای عارف سپرده‌اند. آقای عارف، استاد تمام رشته برق و مخابرات و همچنان از استادان ممتاز و برجسته دانشگاه صنعتی شریف هستند. ایشان سال‌ها نیز وزیر پست، تلگراف و تلفن بوده‌اند و به همین دلیل، نسبت به فضای مجازی و حوزه ارتباطات دیجیتال، از مرجعیت علمی، تخصصی و تجربی برخوردارند.

از طرف دیگر، ایشان با استفاده از سایر تجارب مدیریتی خود در بخش‌های مختلف، قابلیت حل مسأله دارند. موضوع اینترنت، مسأله‌ای بسیار پیچیده بود و همچنان نیز هست. برای ورود به چنین حوزه‌ای، فردی باید به نمایندگی از رئیس‌جمهوری وارد عمل شود که مخاطبان نیز تفهان این حوزه، او را فردی برجسته، آگاه و صاحب دانش و تجربه بدانند و درعین حال، نسبت به او واژه‌ای نداشته باشند. آقای عارف این ویژگی را دارد.

بنابراین، مأموریت مهمی مانند موضوع اینترنت و بسیاری از امور دیگری که میان آقای پزشکیان و آقای عارف در قالب تقسیم کار دنبال می‌شود، از همین منظر قابل‌توجه است. البته برخی از این موارد رسانه‌ای نمی‌شود و اساساً بسیاری از جزئیات تقسیم کار میان رئیس‌جمهوری و معاون اول، طبیعتاً در فضای عمومی مطرح نمی‌شود اما به نظر من این همکاری در عمل بسیار مؤثر است. من فکر می‌کنم اگر معاون اول رئیس‌جمهور را به مثابه یک همکار دلسوز و مجرب و مشاوری صاحب صلاحیت تعریف کنیم، انتخابی که صورت گرفته، انتخاب مناسبی است.

نکته دیگر اینکه آقای دکتر عارف پشت تلفن هیچ‌یک از سران کشور نمی‌ماند؛ به دلیل احترام و اعتباری که برای ایشان قائل هستند، ارتباط و تعامل میان آنها برقرار است. از طرفی، ایشان در طول سال‌های فعالیت خود ثابت کرده‌اند که چندان به دنبال منافع فردی و شخصی و جاه‌طلبی‌های منفی نیستند. به نظر من، اینکه مسأله مهمی مانند حل مسأله اینترنت از آقای عارف سپرده شده، دقیقاً برآمده از مجموعه ویژگی‌هایی است که برشمردم؛ یعنی برخورداری از دانش و تجربه تخصصی، توان مدیریتی و حل مسأله، روحیه تعاملی، مسئولیت‌پذیری و همچنین اعتماد و اعتباری که در میان بخش‌های مختلف حاکمیت دارند.

• یادداشت •

نقشی فراتر از یک معاون



حسین کتانی مقدم

تحلیلگر سیاست

معاون اول رئیس‌جمهور در ساختار اجرایی کشور، صرفاً یک عنوان تشریفاتی نیست بویژه در شرایطی که رئیس‌جمهوری به دلیل درگیری با مسائل مهمی همچون جنگ، امنیت، دیپلماسی و مدیریت کلان کشور، فرصت حضور مستقیم در همه عرصه‌های اجرایی را ندارد. در چنین شرایطی، معاون اول در عمل بخشی از خلأ مدیریتی رئیس‌جمهوری را پر می‌کند و نقش مهمی در حفظ انسجام دولت بر عهده می‌گیرد. در دولت چهاردهم، این نقش با حضور جناب محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، شکل متفاوتی پیدا کرده است. ایشان با توجه به سابقه طولانی در مدیریت اجرایی، حضور در دولت‌های گذشته و تجربه فعالیت سیاسی، توانسته است در هماهنگی میان اعضای دولت و دستگاه‌های اجرایی نقش مؤثری ایفا کند. بخش قابل‌توجهی از امور نیازمند هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، مدیریت برخی جلسات دولت و پیگیری تصمیمات اجرایی در شرایطی که رئیس‌جمهوری درگیر مسائل کلان‌تر است بر عهده معاون اول قرار می‌گیرد. اهمیت این جایگاه زمانی بیشتر آشکار می‌شود که هماهنگی میان قوا و نهادهای مختلف کشور نیز در دستور کار قرار داشته باشد. معاون اول می‌تواند به عنوان نماینده رئیس‌جمهوری در بسیاری از جلسات و مجامع، زمینه ارتباط مؤثرتر دولت با مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادهای حاکمیتی را فراهم کند. در این زمینه، تجربه و سابقه آقای عارف به کمک او آمده و توانسته است تا حد زیادی در ایجاد هماهنگی میان دولت و دیگر قوا اثرگذار باشد. یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه عملکرد

ایشان، پرهیز از برخورد جناحی در جایگاه معاون اولی است. اگرچه او چهره‌ای شناخته‌شده در جریان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شود، اما در دوره مسئولیت خود کمتر شاهد آن بوده‌ایم که از جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور برای برجسته کردن منافع یک جریان سیاسی خاص استفاده کند. او تلاش کرده است با احزاب، تشکل‌های سیاسی و جریان‌های مختلف، رویکردی مبتنی بر گفت‌وگو داشته باشد. این رویکرد با شعار اصلی دولت مسعود پزشکیان، یعنی «وفاق»، نیز همخوانی دارد. وفاق زمانی از یک شعار سیاسی به یک سیاست اجرایی تبدیل می‌شود که در رفتار مدیران و مسئولان دولت نیز نمود پیدا کند. برگزاری نشست با احزاب و گروه‌های سیاسی، تعامل با نمایندگان جریان‌های مختلف و تلاش برای شنیدن دیدگاه‌های متنوع، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به عملیاتی شدن این رویکرد کمک کند. از سوی دیگر، عملکرد معاون اول را نمی‌توان تنها در حوزه سیاسی و مدیریتی ارزیابی کرد. یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت، توجه به رفاه عمومی و بهبود شرایط زندگی مردم است. تحقق این البته تنها به افزایش درآمد یا اقدامات مستقیم مالی محدود نمی‌شود. رفاه مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است که باید در نهایت آثار خود را در زندگی مردم نشان دهد.

در این بخش نیز معاون اول می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. بسیاری از مسائل اقتصادی و معیشتی کشور نیازمند تصمیم‌سازی کارشناسی، هماهنگی میان دستگاه‌ها و پیگیری مستمر هستند. معاون اول، به عنوان یکی از حلقه‌های اصلی تصمیم‌سازی در دولت، می‌تواند دیدگاه کارشناسان را به فرآیند تصمیم‌گیری وارد کرده و زمینه هماهنگی بیشتر میان وزارتخانه‌ها و نهادهای اقتصادی را فراهم کند.

و معاون اول رئیس‌جمهور نیازمند بررسی نتایج ملموس سیاست‌ها در زندگی مردم است. فاصله میان «سیاست اعلامی» و «سیاست اعمالی» تنها زمانی مشخص می‌شود که تصمیمات دولت در عرصه عمل، آثار واقعی خود را نشان دهند. با این حال، آنچه تاکنون درباره نقش آقای محمدرضا عارف قابل‌توجه است، تلاش برای ایفای مسئولیت معاون اولی در چارچوبی فراتر از تقسیم‌بندی‌های جناحی است. تجربه مدیریتی، صبر و حلم، رفتار متین و نگاه مبتنی بر تعامل، از ویژگی‌هایی است که می‌تواند به تقویت انسجام دولت کمک کند. عارف امروز در جایگاهی قرار گرفته که علاوه بر پشتوانه قانونی و سیاسی، به واسطه تجربه و شخصیت فردی خود می‌تواند یکی از محورهای مهم هماهنگی در دولت باشد.

اقتصادی

شرایط فعلی

این است

که دولت

با نگاهی

واقع‌بینانه،

برای دو سال

آینده و یا در

نظر گرفتن

شرایط

بحرانی،

هم از نظر

تئوریک و

هم از منظر

عملیاتی،

یک نظریه،

دکترین و

برنامه جامع

و تفصیلی

داشته

باشد. به نظر

من، آقای

دکتر عارف

می‌تواند

محور تدوین

چنین

برنامه‌ای

باشد

